

خاطرات کاناپه‌ی فروید

کریستیان موزر
ناصر غیاثی



سرشناسه	موزر، کریستیان Moser, Christian
عنوان و پدیدآور	خاطرات کتبه فروید/نویسنده کریستیان موزر، مترجم ناسر غیانی
مشخصات نشر	تهران: موهن نقره، ۱۳۸۵
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۱-۴۵-۵
بافتات	فایا
یادداشت	Sigmund Freud die ganze Wahrheit
موضوع	فروید، زیگموند، ۱۸۵۶-۱۹۳۹ م. - Freud Sigmund - سرگشتگی
موضوع	فروید، زیگموند، ۱۸۵۶-۱۹۳۹ م. - Freud Sigmund - نقد و تفسیر
موضوع	روانکاوان -- تئوری -- سرگشتگی
شناسه افزوده	غیانی، ناصر، ۱۳۳۶ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۸۵ م ۷۵/۴۴۲/۹/۱۰۹ BF1
رده بندی دیویی	۱۵۰/۱۹۵۴
شماره کاتالوگ ملی	۸۵۰۲۰۸۱۲ م

خاطرات کانایه‌ی فروید

نویسنده: کریستیان موزر

مترجم: ناصر غیانی

صفحه آرا: سپیده تاری

چاپ نخست: تابستان ۸۹

چاپ: صفیه



نشر موهن نقره

لیتوگرافی: نگارین پرتو

شمارگان: ۱۳۰۰ نسخه

۲۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۱-۴۵-۵

تلفکس: ۸۸۸۲۱۵۹۹-۸۸۳۱۸۶۶۲

www.houzenoghre.com

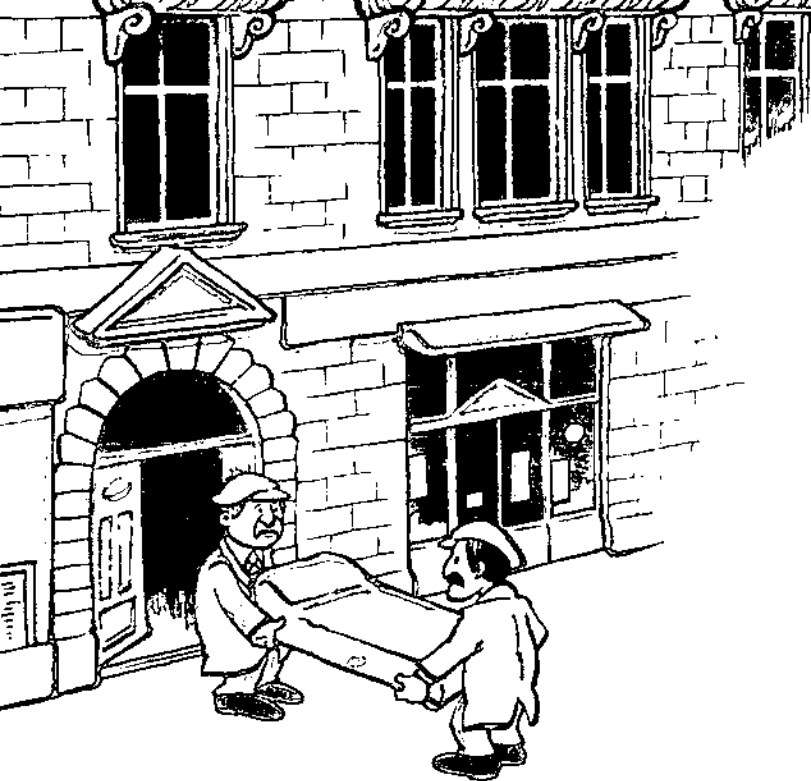
www.naserghiasi.com

پیش گفتار

من یک کاناپه‌ی کاملاً معمولی هستم. نه خیر، شکسته‌نفسی نمی‌کنم. از چی درست شدم؟ از کمی چوب، چند تا فنر، کمی موی اسب و مختصری پارچه. حالا خواهید گفت: «اما این دروغ محض است. هرچه باشد، بالاخره تو آن کاناپه‌ی معروفی!» خُب بله، درست است. وقتی نزدیک به نیم قرن جزو وسایل درمان یک روان‌کاو کار کرده باشی، یک چیزهایی هم به تو اضافه می‌شود: خون، عرق و اشک. اشک خاطرات و عرق کار سختِ ذهنی. قضیه‌ی خون یک مورد خاص بود. بعداً بیش‌تر درباره‌اش خواهم گفت.

و وقتی این روان‌کاو نه یکی از این روان‌کاوانِ معمولی، بلکه زیگموند فروید باشد، در این صورت شاید هم واقعاً کاناپه، یک کاناپه‌ی معمولی نباشد. موافقم، اسمم را بگذارید: کاناپه‌ی معروف. در کمال تواضع و فروتنی البته. و حالا که این قدر دوستانه می‌پرسید، بله، می‌توانم یک چیزهایی درباره‌ی استاد تعریف کنم. می‌خواهید بشنوید؟ پس بفرمایید بنشینید و راحت باشید.





من زمانی آمدم پیش فروید که تازه به کوچه‌ی برگ! پلاک ۱۹. این آدرس معروفِ دنیا. اسباب‌کشی کرده بود. جایی که قرار بود بیش از نیم قرن زندگی و کار کند. از آن لحظه قرار شد اتاق معاینه‌ی پرفسور (آن موقع هنوز پرفسور نبود. اما خوانندگان ارجمند مرا عفو خواهند کرد که با این حال از چنین عنوانی استفاده می‌کنم. آخر هرچه باشد من یک کاناپه‌ی وینی هستم) خانه‌ی تازدی من باشد. و از آن جایی که مطب درست کنار اتاق‌های محل زندگی قرار داشت. طبیعی بود کمی هم از زندگی خصوصی فروید باخبر بشوم.